

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره  
موضوع جزئی: آیه ۴۲ \_ متعلق علم عالمان در آیه \_  
جمع بندی معنای آیه  
تاریخ: ۱۷ آذر ۱۴۰۰  
مصادف با: ۳ جمادی الاول ۱۴۴۳  
جلسه: ۲۵

﴿اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَاللَعْنُ عَلٰى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِيْنَ﴾

عرض کردیم جمله «أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» در ذیل آیه ۴۲ در حقیقت به عنوان احتراز از غیر نیست، بلکه از باب توصیف و توضیح بدتر بودن کاری است که آن‌ها می‌کنند در فرض عالم بودن. یعنی خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: حق را با باطل مشتبه نکنید و بر حق لباس باطل نپوشانید و آن را کتمان نکنید در حالی که شما آگاهید. عرض کردیم معنای این سخن این نیست که اگر آگاه نباشید پس این نهی دیگر وجود ندارد. لا تلبسوا و لا تکتبوا در فرض علم و آگاهی اساساً معنا پیدا می‌کند. به عبارت دیگر اگر آن‌ها ندانند و اطلاع نداشته باشند و از حق آگاه نباشند، چه بسا لبس و کتمان معنا ندارد. کسی که با حق آشنا نیست، چگونه می‌خواهد جامه باطل بر آن بپوشاند؟ کسی که با حق آشنا نیست، چطور می‌تواند آن را کتمان کند؟ پس اساساً نهی از در آمیختن حق و باطل و نهی از کتمان حق تنها در صورت آگاهی و اطلاع و علم آن‌ها معنا پیدا می‌کند. برای همین است که می‌فرماید: «لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ».

**متعلق علم عالمان در آیه**

سخن در این است که آنچه را که عالمان اهل کتاب می‌دانستند و آیه اشاره به آگاهی و علم و اطلاع آن‌ها دارد، چه بوده است و اینجا خداوند اشاره به چه چیزی می‌کند و می‌فرماید در حالی که شما می‌دانید تلبیس و کتمان نکنید. مفسران در اینجا احتمالات مختلفی را ذکر کرده اند که ممکن است بعضی از این احتمالات اقرب از بعضی دیگر باشد. ۱. یک احتمال این است که شما می‌دانید نام رسول خدا و وصف او را. می‌دانید که خداوند متعال پیامبری با این نام و با این وصف فرستاده چون وعده آن در کتاب تورات داده شده بود. پس شما با اینکه با نام و وصف پیامبر آشنا هستید، لا تلبسوا و لا تکتبوا. در حالی که از پیامبر و نام او و وصف او و نبوت او و بشارت خدا در کتاب تورات آگاهید، آن را کتمان نکنید یا بر این حقیقت لباس باطل نپوشانید.

۲. احتمال دوم اینکه منظور این باشد که شما خودتان می‌دانید در حال آمیختن حق و باطل و کتمان حق هستید؛ این کار را نکنید در حالی که می‌دانید. یعنی کأن خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: لا تلبسوا الحق و لا تکتبوا الحق، بر حق لباس باطل نپوشانید و آن را کتمان نکنید در حالی که می‌دانید چنین کاری را دارید انجام می‌دهید. یعنی با علم به کتمان حق و لبس الحق، این کار را نکنید. مانند اینکه کسی کاری قبیح می‌کند و علم به قبح آن را دارد و او را از آن کار نهی

کنند. مانند اینکه می‌گوید دزدی نکن در حالی که می‌دانی دزدی می‌کنی. این اشاره به قبیح این مسئله دارد، یعنی کأن قبیح کتمان و تلبیس الحق بالباطل امری روشن و آشکار بوده که خود آن‌ها هم می‌دانستند. شما در هر کجا و به هر کسی از هر قوم و مذهب و عقیده ای بگویید آیا کتمان الحق جایز است یا خیر، می‌گویند: خیر. بگویید آیا تلبیس الحق بالباطل جایز است یا خیر، می‌گویند: خیر. هیچ کسی نمی‌گوید که من از باطل دفاع می‌کنم چون همه آن‌هایی هم که در مسیر باطل قدم بر می‌دارند مدعی هستند که آن مسیر حق است. آن‌هایی هم که حق را با باطل در می‌آمیزند، می‌دانند که لباس باطل بر حق پوشاندن قبیح است، لذا خداوند تبارک و تعالی به این‌ها میفرماید حق را با باطل نیامیزید و بر حق لباس باطل نپوشانید و حق را کتمان نکنید در حالیکه می‌دانید دارید حق را کتمان می‌کنید و حق را به باطل در می‌آمیزید و بر حق لباس باطل می‌پوشانید. کأن می‌گوید تو که می‌دانی این کار بد است، اما می‌دهی.

۳. احتمال سوم این است که این اشاره به یک معنای خاص و موضع خاصی ندارد. کأن می‌خواهد بفرماید شما که از اهل علم و دانش هستید، این کار را انجام ندهید. «لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ»، نهی می‌کند از لبس یا لبس حق به باطل و کتمان حق و می‌گوید: «وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»، شما که اهل علم هستید، البته متعلق علم را طبق این احتمال معلوم نمی‌کند. می‌گوید شما که اهل علم و آگاهی هستید، چرا دست به این دو کار می‌زنید. اگر کسی از جاهلان بود و کار ناشایست از او سر بزند ممکن است قابل توجیه باشد، اما شما که از عالمان و دانشمندان هستید و اهل علم دانش محسوب می‌شوید، شما چرا دست به کتمان حق و تلبیس الحق بالباطل می‌زنید.

احتمالات دیگری هم در اینجا وجود دارد که بعضاً به یکدیگر قابل بازگشتند.

۴. یک احتمال این است که شما که می‌دانید حق و باطل کدام است، پس چرا حق را کتمان می‌کنید و بر حق جامه باطل می‌پوشانید؟ در اینجا علم و آگاهی متعلق شده به تمییز حق و باطل شما که می‌دانید حق چیست و باطل کدام است چرا این دو را در هم می‌آمیزید و بر حق لباس باطل می‌پوشانید و یا حق را کتمان می‌کنید. هر یک از این احتمالات مد نظر باشد، معنای آیه روشن است. اگرچه بعضی از این احتمالات شاید قوی تر باشد و یا برخی ضعیف تر باشد.

مثلاً اینکه بگوییم منظور مطلق علم و آگاهی است، شاید خیلی با این دو نهی سازگار نباشد. اینکه بگویید شما که اهل علم هستید چرا این کار را می‌کنید، خیلی استبعادی ندارد که دست به این کار بزنند. مهم این است که اینجا خداوند متعال به عالمان یهود میفرماید شما که مثلاً حق و باطل را می‌شناسید چرا این کار را انجام می‌دهید. یا شما که می‌دانید دارید تلبیس و کتمان می‌کنید و این قبیح است و به قبیح آن آشنا هستید، چرا دست به این کار می‌زنید.

قهرها بعضی از این احتمالات از برخی دیگر اقوی به نظر می‌رسد ولی این احتمال که بگوییم اینجا اشاره به مطلق اهل علم و آگاهی بودن این‌ها دارد شاید خیلی قابل قبول نباشد.

## جمع بندی معنای آیه

پس معنای آیه با توجه به توضیحاتی که دادیم، این شد که خداوند عالمان یهود را از دو رفتار بسیار خطرناک باز میدارد و عمق خطر این رفتار را با اشاره به علم و آگاهی و دانش آن‌ها بیان می‌کند. یعنی کآن این‌ها عالمانه و عامدانه باعث شدند که مردم بنی اسرائیل و یهودیان از حق فاصله بگیرند. و عرض کردیم این دو رفتار، این دو شیوه عمل در مواجهه با حق به عنوان یک شیوه مستمر در طول تاریخ از ناحیه دشمنان دین خداوند عمل شده، می‌شود و خواهد شد. این یک استراتژی است که ممکن است شیوه‌ها و روش‌های اعمالش فرق کند، اما همواره دشمنان دین خدا بر این بوده‌اند که یا حق را کتمان کنند و یا بر حق جامه و لباس باطل بپوشانند. هدف این‌ها هم همگی دور کردن مردم از گرد حق است. چه اینکه بالاخره اگر اجتماع پیروان حق بیشتر و قوی‌تر شود، طبیعتاً فضا، مکان و راه را برای آن‌ها تنگ‌تر خواهد کرد. لذا خداوند متعال عالمان یهود را نهی می‌کند و این نشان دهنده این است که عالمان ادیان مهمترین نقش را در انحراف مردم و پیروانشان دارند. این نهی درست است که متعلق به عالمان یهود است، اما مختص به آن‌ها نیست. در همه اعصار به همه عالمان ادیان و مکاتب می‌تواند متوجه شود و همگی را مخاطب قرار دهد که کتمان الحق نکنند و بر حق لباس باطل نپوشانند.

از طرفی هم وظیفه عالمان همه ادیان را می‌توانیم از این آیه استخراج کنیم؛ ارائه حق و آشکار کردن حق وظیفه عالمان دینی است. حقی که در این آیه اشاره شد را گفتیم

ممکن است یک معنا برای دو حق قائل شویم و ممکن است اشاره به دو حق داشته باشد یعنی *لَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ* اشاره به یک حق دارد و *تَكْتُمُوا الْحَقَّ* اشاره به حقی دیگر دارد. گرچه هر کدام بر یک معنا حمل شود اولی است از اینکه هر دو را به یک معنا بدانیم. به هر حال آنچه وظیفه عالمان دینی است، این است که مواظب باشند حق را با لباس خودش عرضه کنند و جامه باطل بر حق نپوشانند. خیلی از اوقات ما هم گرفتار این چیزها می‌شویم. گاهی می‌خواهیم حق را عرضه کنیم، اما آن را در جامه‌ای می‌پوشیم برای اینکه مورد پذیرش قرار گیرد، این هم غلط است.

گاهی این رفتارها را ما در بین هم لباس‌های خود هم می‌بینیم. اینکه حق را می‌خواهد عرضه کند ولی از روش‌ها و شیوه‌های نادرست استفاده می‌کند. حق را در یک جامه باطل گاهی می‌پوشانند. یا مثلاً از روی بعضی از اغراض حق را کتمان می‌کنند..

لذا آن دو خطاب فقط برای عالمان یهود نیست، متوجه عالمان یهود در همه ادوار است، متوجه عالمان همه ادیان در همه زمان‌هاست، متوجه عالمان دین هم هست. یعنی این‌ها از قواعدی است که می‌توان از این آیات استخراج کرد. اصلاً رمز جاودانگی قرآن همین است. نباید گمان کرد مخاطب این آیه فقط عالمان یهود در آن دوران بوده و یک نهی

خداوند کرده و دیگر تمام شده. خیر، این ترسیم مسیر و راه زندگی همه انسان ها با هر گرایش، بینش و عقیده ای است. بالاخره انسان باید در برابر حق تسلیم باشد و مراقب باشد که حق را باطل نیامیزد.

آیه ۴۳ این است: «وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّٰكِعِينَ» که انشاءالله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»